

## چرا کارخانه ها تعطیل می شوند و ما چه باید بکنیم؟

کمیتة هماهنگی

پنجشنبه اول اسفند ۱۳۸۷

در طول سال های اخیر به طور مکرر و شاید هم هر روز شاهد تعطیل شدن این و آن واحد بزرگ، متوسط یا کوچک صنعتی بوده ایم. شمار مراکز کار و تولیدی که تا همین امروز اخبار تعطیلی آن ها و بیکار شدن همه کارگانشان در روزنامه ها انتشار یافته است، به احتمال زیاد از مرز ۶۰۰ می گذرد. این رقم با مختصری کم یا زیاد از سوی منابع مختلف و نهادهای رسمی دولت سرمایه داری نیز تأیید گردیده است. یک سؤال اساسی در این گذر آن است که دلیل این تعطیل شدن ها چیست؟ چرا این روند در طی این سال ها لحظه به لحظه تشدید شده است و هر روز سرعت بیشتری به خود گرفته است؟ جستجوی پاسخ این سؤالات برای ما مهم است، نه از این لحاظ که قرار است غمخوار صاحبان سرمایه در چگونگی کسب و کار و فزونی و کاهش سودهایشان باشیم!!! نه از این بابت که بناست دغدغه سرنوشت صنعت و رونق اقتصاد کشور را با سرمایه داران تقسیم کنیم!!! نه از این روی که گویا افت و اعتلای تولید و صنعت و بازار در کم و کیف معیشت محقر ما یا حتی در میزان بهای شبه رایگان نیروی کار ما تأثیری خواهد داشت!!! نه، کندوکاو پاسخ سؤال بالا از بابت هیچ کدام این موضوعات نیست. ما در آرزوی محو آخرین ریال سود سرمایه داران دنیا هستیم. رشد یا کمبود رشد صنعت نیز نه مشکل ما که مسأله صاحبان سرمایه برای استثمار هر چه مرگبارتر و فرساینده تر ماست. وسعت تولید و رونق بازار نیز نه فقط ریالی به دستمزد ما نمی افزاید که چه بسا قاتل اشتغال و عامل فشار حداکثر بر همان بهای نازل نیروی کارمان باشد. پاسخ سؤال بالا برای ما از این روی مهم و بسیار مهم است که تعطیلی کارخانه ها عملاً به بستر تعرض هار و کشنده نظام سرمایه داری علیه ما تبدیل شده است. ما می خواهیم و مجبوریم علیه این وضعیت مبارزه کنیم. می خواهیم موج تهاجم سرمایه علیه کار و معیشت و زنده بودن خویش را به عقب رانیم. می خواهیم با مقاومت و مبارزه خود این موج پر از وحشت و دهشت را یکر است به سوی روند ارزش افزائی و شریان سود جوئی سرمایه برگردانیم. ما می خواهیم طرح و برنامه و ترفند سرمایه را با هشیاری و بصیرت و آگاهی خود دفع نمائیم و در این راستا است که باید دلیل واقعی تعطیل کارخانه ها را درست کندوکاو نمائیم. ببینیم که ماجرا چیست؟

سرمایه داران همه و همه زوزه می کشند که گویا دچار وضعیت مالی بسیار بدی هستند!!! و به خاطر همین وخامت اوضاع مالی است که کارخانه ها را یکی پس از دیگری می بندند!!! و پرونده سرمایه داران بودن خود را مختومه اعلام می دارند!!! اگر به راستی چنین بود چه قدر زیبا و پرشکوه بود! و چه دنیای شاد و پر از سرور و نشاطی را پیش روی ما قرار می داد. اگر چنین بود معنایش آن می شد که شمارش معکوس در واپسین دمان حیات سرمایه آغاز شده است و ما کارگران باید با شتاب حداکثر دست به کار استقرار دنیای آزاد انسانی خویش، دنیای عاری از هر نوع استثمار، ستم، گرسنگی، زندان، طبقات و دولت، دنیای آکنده از شادی و آزادی و رفاه و صلح و برابری و وحدت بر ویرانه های این نظام درنده جهنمی گردیم. اما سرمایه داران از ناخن پا تا موی سر، در تمامی تار و پود و بند بند

وجود خود دروغگویند، مشکل آنان وضعیت بد مالی نیست. شاید در این شرایط مشخص این حرف کمی عجیب آید و شنیدن آن به ویژه از زبان ما باز هم عجیب تر جلوه کند. این را به این دلیل می گوئیم که ما بیش از همه در مورد بحران جاری نظام سرمایه داری و طغیان موج سرکش این بحران در چند ماه اخیر گفته ایم و نوشته ایم و حال ممکن است خیلی ها سؤال کنند که اگر بحران سرمایه داری با تمامی قدرت سرکوب خود در حال پیچ و تاب و طغیان است چرا نباید وضعیت بد مالی سرمایه داران ایران را باور کرد؟ این سؤال به حق و بجا است اما با یک فراموشی بسیاری جدی و تعیین کننده همراه است. این فراموشی که سرمایه داران ایران فقط در طول این چند ماه نیست که زنجیروار و روز به روز در حال تعطیل کردن کارخانه ها هستند. آنان بیش از دو دهه است که این کار را با همین سرعت و وسعت امروزی اش انجام می دهند و دنبال می نمایند. آنان در تمامی این مدت دروغ گفته اند و ما حتماً به این مسأله باز می گردیم. عجالتاً دست از سر دلیل تراشی ها و استدلال های پوچ صاحبان سرمایه بر می داریم و به سراغ اقتصاددانان، نمایندگان، فکری، منتقدین سیاسی، ژورنالیست ها و اربابان جراید نظام سرمایه داری می رویم. همه این ها نیز به طور مکرر در این زمینه گفته اند، نوشته اند و جنجال بر پای کرده اند. دروغ های این ها نه فقط از سرمایه داران کمتر نیست که در بسیاری موارد مضحک تر و ابلهانه تر و بی مایه تر نیز می باشد. این ها در کنار اعلام خبر تعطیلی هر کارخانه بلافاصله حکم مهر «بی کفایتی و سوء مدیریت»!! را به عنوان مهم ترین دلیل بسته شدن کارخانه و پایان عمر مؤسسه به اطلاع همه خوانندگان می رسانند!!! مطابق استدلال و باور این جماعت، سرمایه داران ایران فقط یک مشت ابله و دیوانه و بی کفایت و اهل سوء مدیریت هستند و اصلاً بدبختی طبقه کارگر ایران هم گویا در این است که کارفرمایان آنان از شم تیز استثمار و سوداندوزی برخوردار نمی باشند!!! سخت است بتوان بیش از این خزعبلات به هم بافید و بیش از این به وارونه بافی و جعل واقعیت ها پرداخت. اولاً معلوم نیست چرا هر چه آدم احمق و کودن و بی کفایت وجود دارد همگی مطابق استدلال این ها محکوم شده اند که سرمایه دار بشوند!!! ثانیاً این چه بی کفایت ها و دیوانگان و محجورینی هستند که به گفته خود همین گزارشگران بر سر آدم و عالم کلاه می گذارند و تمامی بانک ها و دولت و نهادهای دولتی و مراجع هفت خط نظام سرمایه داری را با یک اشاره ابرو با خود همراه می سازند!!! ثالثاً چرا اینان سال های سال که کارخانه یا بنگاه صنعتی و مالی تحت مالکیت خود را در منتهای سودآوری اداره می کنند، در تمامی سال هائی که شدت استثمار کارگران را تا کهکشان ها بالا می برند و زمین و زمان را برای افزایش کوه اضافه ارزش ها به شلاق می بندند، سالیان درازی که کمترین حجم سرمایه را با شدت بی مرز استثمار توده های کارگر به کوهساران رفیع سرمایه تبدیل می کنند، آری چرا در این سال ها اصلاً بی کفایت نیستند و مبتلا به بیماری سوء مدیریت نمی باشند و ناگهان یکشنبه یا در عرض یک روز و یک هفته به این بیماری مزمن مهلک مسری دچار می گردند!!! اگر بخواهیم در مورد ابتدال و بی اساس بودن استدلال این جماعت توضیح دهیم شاید واقعاً وقت هدر دادن باشد و به همین خاطر بهتر است از خیر آن چشم پوشیم. خلاصه کنیم حرف هائی که در باره دلیل تعطیلی کارخانه ها زده می شود چه از زبان سرمایه داران و چه از قلم اربابان جراید سرمایه داری همگی هیچ و دروغ و بی اساس هستند، پس باید به جستجوی علل واقعی موضوع باشیم.

دولت سرمایه و طبقه سرمایه دار ایران بسان طبقه سرمایه دار هر کشور دیگر به طور مستمر برای سودآوری هر چه عظیم تر و طلائی تر سرمایه تلاش می کنند. این حکم سرمایه است و آنان فقط همان کاری را انجام می دهند که

سرشت و اراده و مصلحت بقای سرمایه داری است. سرمایه اساساً و در تحت هیچ شرائطی نمی تواند چنین نباشد، تصور سرمایه بدون اینکه لحظه به لحظه در تقلاي کاهش هزینه های تولید، بالا بردن بارآوری کار، افزایش فشار استثمار نیروی کار، رقابت با سرمایه های دیگر، تصاحب اضافه ارزش ها و سودهای بیشتر و از همین طریق فرجه تر و کوه آسائر کردن خود باشد، تصویری از همه لحاظ بی اساس و ضد واقعی است. این امر در مورد هر تک سرمایه اعم از کوچک یا بزرگ، هر تراست عظیم صنعتی و مالی، کل سرمایه های یک کشور و بالاخره کل سرمایه جهانی صدق می کند. آنچه در طول این چند دهه و به طور اخص در سال های اخیر در قلمرو بازتولید و ارزش افزائی سرمایه های بخش دولتی و خصوصی و کلاً سرمایه در جامعه ایران جریان داشته است هیچ چیز سوای همین روند جبری حیات سرمایه داری نبوده است و نمی باشد. بنیاد کار برنامه ریزی طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری ایران و در همان حال توصیه نهادهای عظیم برنامه ریزی سرمایه در سطح جهانی مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و صندوق تجارت جهانی به سرمایه داران هر کجا و از جمله ایران آن است که هزینه های تولید را تا سرحد امکان پائین آورند، شدت استثمار کارگران را به حداکثر ممکن برسانند، از بالاترین تکنولوژی و بالاترین تخصص و مدرن ترین ماشین آلات روز استفاده نمایند، با کمترین نیروی کار عظیم ترین حجم محصولات را تولید کنند و از این راه احتیاج به نیروی کار را تا آخرین مرز ممکن پائین بیاورند. سرمایه ها را در حوزه ها و عرصه هائی انباشت کنند که بازار جهانی به تولیدات آن ها بیشترین نیاز را دارد، برای رقابت با سرمایه ها و سرمایه داران و دولت های سرمایه داری دیگر، برای تسخیر جای مناسب خود در بازار و بردن سهم مطلوب در اضافه ارزش های تولید شده توسط توده های کارگر دنیا قراردادهای و موازین مصوب نهادهای بین المللی برنامه ریزی نظام سرمایه داری را رعایت کنند، به بیان دیگر در چهارچوب تقسیم کار جهانی سرمایه دست به پیش ریز سرمایه ها و انتخاب قلمرو کار و تولید بزنند و بسیاری مسائل دیگر که در این جا شاید نیاز به تشریح همه آن ها نباشد. دولت جمهوری اسلامی و صاحبان سرمایه در همه حال در این راستا تلاش می کنند و محور تمامی برنامه ریزی ها، طرح ها، مبادلات اقتصادی بین المللی، قراردادهائی که منعقد می کنند و نقل و انتقال هائی که انجام می دهند یک چیز است. اینکه موقعیت و مکان سرمایه داری ایران در بازار جهانی سرمایه و در دائره تقسیم کار جهانی سرمایه داری هر چه بیشتر استحکام یابد و این که سهم طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری ایران در کل اضافه ارزش هائی که کارگران ایران و دنیا هر لحظه و هر روز و هر سال تولید می کنند بیشتر و بیشتر گردد. این شالوده واقعی، نیروی محرک و سلسله جنبان واقعی تمامی این برنامه ریزی ها و طرح ها و دسیسه ها است و تعطیلی پشت سر هم مراکز کار و تولید نیز فقط و فقط جزء لاینجزائی از همین روند است. تحقق این هدف نیازمند فرار سرمایه ها از برخی حوزه ها به حوزه های دیگر است، تحقق این هدف در گرو تنزل هر چه موحش تر و جنایتکارانه تر بهای نیروی کار است، تحقق این هدف در گرو بیکارسازی هر چه وسیع تر توده های کارگر و ایجاد رقابت هر چه مرگبارتر و هولناک تر در صفوف کارگران برای فروش هر چه ارزان تر نیروی کار خویش است، تحقق این هدف در گرو اجتناب سرمایه داران از پرداخت دستمزدها در دوره های طولانی چند ماهه و حتی چند ساله است، تحقق این هدف در گرو ساقط ساختن هر چه سهمگین تر طبقه کارگر از آخرین دار و ندار معیشتی خویش به نفع بالا بردن منحنی سود سرمایه است. در همین راستا و دقیقاً به خاطر تحقق همین هدف کثیف سرمایه دارانه و کارگرکش است

که سرمایه داران با همدلی و همیاری و در چهارچوب سیاست گذاری های سراسری و استراتژیک دولت سرمایه بسیاری از کارخانه ها را تعطیل می کنند. شالوده و طرح کلی کار این است که سرمایه ها تا جایی که ممکن است، هر چه بیشتر و وسیع تر به حوزه های معینی منتقل گردند و متقابلاً از پیش ریز آنها در حوزه های معینی خودداری شود. بخش نفت، پتروشیمی، گاز، صنایع نظامی، مسکن، انرژی هسته ای، ارتباطات، معادن مس و آهن و فولاد و فلزات اساسی، اتوموبیل سازی، برق، تحقیقات اختصاصی پزشکی، تولید دارو، تحقیقات فضائی، راه و راه آهن و صنایع حمل و نقل، بنادر، تورسیم و برخی از قلمروهای صنعتی دیگر در زمره حوزه های اول هستند. یک نگاه ساده به مجموعه سرمایه گذاری های که در این قلمروها خواه از سوی بخش خصوصی و خواه دولت صورت گرفته است چگونگی این رویکرد سرمایه داری ایران را بسیار عریان ظاهر می سازد. محصولات مختلف صنایع نظامی ایران و انواع سلاح های تولید شده در مراکز صنعتی کشور به ۴۶ مملکت دنیا صادر می گردد و ایران در طول سال های اخیر به یکی از صادر کنندگان مهم سلاح در جهان تبدیل شده است، سرمایه داری ایران به بیش از ۳۶ کشور، از جمله برخی ممالک اروپائی و به طور مثال کشور فرانسه اتوموبیل صادر می کند. محصولات پتروشیمی ایران در بازار جهانی جایگاه وسیعی را به خود اختصاص داده است. بخش ساختمان که همواره یکی از عظیم ترین و فعال ترین بخش های اقتصاد بوده است در طول چند سال گذشته دایره سرمایه گذاری های خود را از مرزهای داخلی فرا برده و در بسیاری از کشورهای امریکای لاتین و جمهوری های آسیائی سابق شوروی و ممالک حوزه خلیج بسط داده است. در زمینه انرژی هسته ای سوای پروژه غنی سازی اورانیوم و تدارک بهره برداری از نیروگاه اتمی بوشهر طرح تأسیس ۱۱ نیروگاه دیگر به طور کاملاً جدی و عملی در دستور کار دولت سرمایه داری است. صدور گاز به اروپا، گفتگو با دولت روسیه برای تشکیل انحصار موسوم به «اپک گازی» از جمله برنامه ریزی های مهم برای دست اندازی انحصاری نیرومند در این بخش از تولید و صنعت در سراسر دنیا می باشد، سرمایه گذاری های کلان و کوه آسا در راهسازی ها خواه در داخل و خواه در مقیاس جهانی از جمله مشغله های مدام سرمایه داران و دولت بوده است. در زمینه فن آوری های پیشرفته مخابراتی و ماهواره ای حجم و عظمت سرمایه گذاری ها به میزانی است که ایران تا حد یکی از ۸ کشور صدر جدول این حوزه بالا رفته است. سرمایه های بسیار انبوهی در کشت و صنعت ها و صادرات برخی کالاها سودآور کشاورزی به مناطق مختلف دنیا توسط هر دو بخش خصوصی و دولتی پیش ریز شده است. در قلمرو تولید دارو حجم انباشت سرمایه بسیار بالا بوده است به گونه ای که تا همین امروز حدود ۹۵٪ مصرف داخلی کشور توسط شرکت های سرمایه گذاری ایرانی تهیه می شود. در عرصه فن آوری و تحقیقات پزشکی با هدف سوداندوزی های انبوه سال ها است که سرمایه داران و دولت مشغول پیش ریز بیشترین حجم سرمایه اند. رویکرد صاحبان سرمایه در این زمینه اعم از دولتی و خصوصی تبدیل ایران به یک قطب پزشکی مورد رجوع مشتریان سرمایه دار و ثروتمند در کل خاورمیانه و آسیای میانه و رقابت با اروپا و جاهای دیگر است. موارد بالا فقط نمونه هائی از جهت گیری سرمایه داری ایران در این سال ها در گزینش حوزه های خاص سرمایه گذاری و سرازیر شدن هر چه بیشتر سرمایه ها به قلمروهای هر چه سودآورتر بوده اند. محاسبات سرمایه داران و دولت در این گذر بر اساس حداکثر سودجویی سرمایه ها استوار بوده است. این بخش ها در شرائط روز در زمره قلمروهای هستند که سرمایه داری ایران با گزینش حساب شده آن ها می توانسته است مطلوب ترین و عظیم ترین

مقادیر اضافه ارزش های حاصل استنثار طبقه کارگر بین المللی را به سوی خود سرازیر سازد. یک نکته مهم در همین گذر آن است که بر خلاف جار و جنجال های پاره ای محافل خواه در لباس راست و خواه چپ یا حتی زیر عناوین ساختگی هواداری طبقه کارگر و سوسیالیسم! تا جایی که به مصالح ارزش افزائی سرمایه مربوط می شود، این رویکردها و گزینه ها مطابق الگوی مطلوب سرمایه داری ایران صورت گرفته است. فقط در همین حوزه ها است که سرمایه های ایرانی بیشترین امکان حضور، رقابت، تسخیر بازار، دست اندازی به ارقام طلائی سود و وسیع ترین مشارکت را در استنثار توده های کارگر دنیا داشته اند. به محور اصلی بحث و کارخانه های در حال تعطیل باز گردیم. همه مراکز کار و تولید که در طول این دو دهه کلاً و در سال های اخیر خصوصاً به ورطه تعطیل فرو رفته اند در صنایع و تولیدات و رشته هائی از صنعت بوده اند که انباشت سرمایه و تداوم سرمایه گذاری در آن ها برای سرمایه داران ایران از سودآوری دلخواه برخوردار نبوده است. پیش ریز کوهی از سرمایه در حوزه صنعت نساجی مطلقاً برای سرمایه داران ایرانی و دولت آن ها نمی توانسته است باب طبع و وسوسه برانگیز باشد. بازسازی کارخانه هائی که تکنولوژی آن ها به سال های شروع قرن بیستم و ماشین الات آن ها به چندین دهه قبل از وقوع قیام بهمن تعلق دارد مقبول طبع هیچ سرمایه دار مفتون سودهای نجومی نیست. هر فرد یا مؤسسه سرمایه داری و به ویژه دولت سرمایه داران می داند که تمرکز انباشت در این قلمرو با توجه به تمامی مؤلفه های مسلط بر بازار روز دنیای سرمایه داری، قوانین رقابت، ملزومات همآوردی با تولیدات انگلیس و ایتالیا در یک سوی و چین و هنگ کنگ و آسیای جنوب شرقی در سوی دیگر اصلاً کار معقولی نمی باشد و در پهنشدن این رقابت های سهمگین با تحمل هزینه های سنگین سرمایه گذاری نمی توان به شیار دلمه های سود در ابعاد نجومی مطلوب امیدوار بود. عین همین وضعیت در مورد تولید کفش، بسیاری از لوازم خانگی مانند یخچال و آبگرم کن و فرش های ماشینی و صنایع چوب، کشتی سازی، لاستیک و مانند این ها صدق می کند. تقسیم کار جهانی خودپوی و در همان حال کاملاً برنامه ریزی شده سرمایه داری جهانی مدت ها است شرائطی را پدید آورده است که برای هر بخشی از سرمایه بین المللی و سرمایه داری هر کشوری حوزه های معینی را پرسود توصیه می کند و حوزه های زیادی را از جلوه و چشم انداز سودهای سرشار خالی کرده است. سرمایه های متعلق به سرمایه داران و دولت در طول این سال ها برای انطباق خود با کلیه الزامات سودآوری حداکثر، یک روند مداوم پالایش را پشت سر نهاده اند. مراد از پالایش در بحث معین حاضر همان است که گفتیم. سرمایه ها به صورت جمعی در تلاش بوده اند تا قلمروهای کم سودتر را ترک گویند و بساط انباشت را در عرصه های بسیار پرسودتر پهن نمایند. یک بار دیگر فراموش نکنیم که سرمایه رابطه تولید اضافه ارزش، تبدیل اضافه ارزش ها به سرمایه، تولید سرمایه های کلان تر و کلان تر و ساقط ساختن توده های کارگر دنیا از هستی با هدف غول آساطر و غول آساطر شدن سرمایه است. سرمایه داری ایران در همه این سال ها بر این روال رفته است و در همین راستا خود را فربه تر و فربه تر و ۵۰ میلیون نفوس انسانی طبقه کارگر را نابودتر و نابودتر و باز هم نابودتر ساخته است.

تا این جا فقط یکی از دلایل اصلی تعطیل شدن کارخانه ها را توضیح دادیم اما سوای رویکرد سرمایه به حوزه های پرسودتر و تبعیت قهری و طبیعی سرمایه داری هر کشوری از تقسیم کار جهانی سرمایه عوامل دیگری نیز دقیقاً از همین سرشت و همین سنخ در این راستا تأثیر بسیار تعیین کننده داشته اند و دارند. سرمایه داری ایران در تمامی طول

۳ دهه اخیر به صورت مدام یک روند تمرکز را دنبال کرده است. سرمایه های کوچک در هم ادغام شده اند و استقلال انفرادی خود را به نفع ادغام در هم و پیش ریز شدن در مقیاس عظیم تر از دست داده اند. این پدیده در اصل ناشی از روند ذاتی شیوه تولید سرمایه داری است و تاریخ حیات سرمایه در تمامی دقایق و تار و پودش گواه تحقق لاینقطع آن بوده است، اما مؤلفه ای که قبلاً اشاره کردیم یعنی انتقال سرمایه ها از حوزه هائی به حوزه های دیگر به نوبه خود روند این ادغام را تشدید و تسریع می کرده است. در نظر بیاورید سرمایه ای که قرار است در حوزه نفت و گاز در مراکزى مانند پارس جنوبی و عسلویه یا لوله های انتقال گاز به کشورهای مجاور پیش ریز شود نمی تواند در حد و حدود و سرمایه مورد نیاز یک کارخانه کوچک تولید لباس یا کفش یا حتی نساجی و سرمایه گذاری های مشابه باشد. برای برنامه ریزی چنین پروژه های بزرگ صنعتی سرمایه های بسیار انبوهی لازم است و سرمایه داران مالک مؤسسات کوچک صنعتی و مالی ترجیح می دهند که بنگاههای خود را با شوق و ولع تمام تعطیل کنند، در هم ادغام شوند، سرمایه بزرگی را پدید آورند و با تراست تازه ای که تشکیل می دهند سودهای طلائى مطلوب به چنگ آورند.

تعطیل شدن کارخانه ها محصول قهری فعل و انفعالات بالا و در واقع روند کار ذاتی سرمایه در پاسخ به نیازهای توسعه و ارزش افزائی غول آساطر خود است، اما سرمایه داران درست در جریان همین نقل و انتقال ها و تحولات به بسیاری جنایت ها، درندگی ها و شرارت های کارگرکش دیگر نیز دست می زنند. توسل به بهانه های بسیار بی اساس و واهی از قبیل وضعیت بد مالی و تعویق دستمزدها همه جا با اهداف یاد شده انجام می گیرد اما به عنوان توجیهی برای همین شرارت ها و راهکارهای سفاکانه ضد کارگری نیز مورد بهره برداری واقع می شود. آنان از این طریق ابرای ماههای بسیار طولانی دستمزدهای کارگران را مصادره می کنند. در نظر بیاورید که دستمزد هر کارگر رقم بسیار ناچیزی است که کفاف نان روزانه خانواده وی را نمی دهد اما حاصل جمع دستمزدهای ۱۰۰۰ یا چند هزار کارگر در طول ۶ ماه رقم هنگفتی را تشکیل می دهد که می تواند بخشی از اقلام مورد نیاز سرمایه گذاری انبوه جدید سرمایه داران را تأمین کند. صاحبان سرمایه با شقاوت و بربرمنشی بشرستیزانه خود بدون هیچ نوع دغدغه و تردیدی این کار را انجام می دهند. سرمایه به سود می اندیشد و بسیار راحت و با حداکثر فراغ بال حاضر است بشریت را هزار هزار و میلیون میلیون در آستانه سودجویی انبوه تر قربانی سازد. تاریخ سرمایه داری، تاریخ لحظه به لحظه ارتکاب تمامی این توحش ها، جنایات و سفاکی ها است.

کاهش سطح دستمزدها و وارد ساختن حداکثر فشار بر سطح معیشت و امکانات اولیه زندگی توده های کارگر نیز یکی از اهداف مهم تبعی روند تعطیل سازی کارخانه ها است. سرمایه داران در جریان انتقال سرمایه هایشان به حوزه های جدید و انباشت متمرکزتر سرمایه ها کلیه شیوه های دیگر سلاخی نیروی کار را نیز به کار می گیرند. قراردادهای موقت را جایگزین استخدام درازمدت نیروی کار می نمایند، از رقابت مرگبار میان توده های کارگر بیکار برای یافتن کار بهره می گیرند و سطح دستمزدها را تا آخرین مرزهای ممکن تنزل می دهند. شرائط کار را هولناک تر و هولناک تر می سازند. شدت کار را به بهای افزایش هر چه بیشتر مرگ و میر کارگران بالا می برند، بر سختی و سرعت کار می افزایند و در یک کلام به هر نوع عمل وحشیانه و کارگرکش و ضد انسانی دست می زنند. یک چیز در تمامی این کارها معیار و اصل و شالوده و ایمان و اعتقاد و دنیا و آخرت سرمایه داران است. این

که یک ریال سود افزون تر به چنگ آرند و این که در طریق حصول این یک ریال سود بیشتر از هیچ شرارت و کشت و کشتار و بربرمنشی علیه هیچ کارگری خودداری ننمایند.

نکات بالا اشاره ای بسیار گذرا اما در عین حال روشنگر پیرامون دلایل واقعی تعطیل کارخانه ها بود. آنچه بدیهی است این است که این تعطیل سازی ها هیچ ربطی به بی کفایتی و سوء مدیریت سرمایه داران ندارد، بالعکس نشانه با کفایتی هر چه کامل تر آنان نیز هست. کفایت و مدیریت عالی برای سرمایه دار یعنی اینکه با سلاخی و نابود ساختن هر چه هارتر کارگران سود بیشتری به چنگ آرد و سرمایه داران ایران در این زمینه دست همه همتایان طبقاتی بین المللی خود را از پشت بسته اند. تعطیلی کارخانه ها در اساس ربطی به وضعیت بد مالی این و آن سرمایه دار ندارد. همان گونه که بالاتر اشاره شد این روند ۳ دهه است که در جامعه سرمایه داری ایران به طور مستمر دنبال شده است. تردیدی نیست که در شرائط روز و انفجار موج بحران سرمایه ، شیرازه حیات سرمایه داری ایران نیز هر چه کوبنده تر در معرض طغیان بحران قرار خواهد گرفت و تا همین جا بسیار سخت و کوبنده قرار گرفته است، اما تأکید می کنیم که باید این دو مسأله را از هم تفکیک کرد. آنچه در طول سال های گذشته رخ داده است تحلیل خاص خود را دارد و آنچه به تبع بحران اتفاق می افتد باید در جای خود مورد بحث قرار گیرد. نکته مهم تر در این زمینه آن است که بحث ما مطلقاً بر سر تأثیر یا عدم تأثیر بحران در وقوع این روند نیست. سخن بر سر سرشت سرمایه و رویکرد نظام سرمایه داری در همه حال مستقل از دوره رونق یا بحران است.

### همزنجیران کارگر!

هدف از توضیح نکات بالا سوای جنبه های ضروری آگاهگرانه آن ها یک نکته بسیار اساسی و تعیین کننده در شرائط روز مبارزه طبقاتی است. ما خواستیم خاطر نشان کنیم که نقطه عزیمت سرمایه داران در تعطیل کارخانه ها موضوعات و دلایلی است که اشاره کردیم. بستن کارخانه ها مطلقاً معنایش این نیست که تولیدات آن ها نیاز جامعه و میلیون ها انسان شهروند ساکن جامعه نمی باشد، تعطیل پشت سر هم مراکز کار و تولید متضمن این معنی نیست که اساساً ن بقای این واحدها و ادامه کار آن ها تلاشی عبث و زائد و هدر دهنده امکانات و نیرو است! عده ای زیر نام دروغین چپ و فعال کارگری مسأله را صرفاً از زوایه سرمایه داران و درست با همان عقل پوسیده سودجوی کارگرکش سرمایه نگاه می کنند و دنبال می نمایند. آن ها در انتقاد از راه حل تصرف کارخانه ها درست مانند سرمایه داران استدلال می کنند و می گویند که این کارخانه ها سودآور نیستند و به همین دلیل تصرف آن ها به نفع طبقه کارگر نمی باشد!! اینان مثل اینکه اصرار دارند در پرستش سود دست سرمایه داران را از پشت بربندند! تمامی توضیحات ما در بالا با صدای بسیار رسا فریاد می زند که اتفاقاً ما باید کارخانه های در حال تعطیل را تصرف کنیم. ما کارخانه ها را برای ارزش افزائی و کسب سود نمی خواهیم، کارخانه را تصرف نمی کنیم تا صاحب سرمایه بشویم. قصد بازاریابی و تجارت محصولات کار و تولید خود را نداریم. قرار نیست وارد رقابت با سرمایه داران شویم. ما بخشی از یک طبقه عظیم اجتماعی هستیم. تصرف کارخانه را فقط با قدرت شوراهای ضد سرمایه داری خویش و با اتکاء به قدرت متحد طبقه مان می توانیم انجام دهیم. ما باید برای این پیوستگی و سازمانیابی شورائی و اتحاد و همدلی سراسری ضد سرمایه داری طبقه خود بدون هیچ لحظه توقف پیکار کنیم، این پیکار جریان زندگی ما و حساس ترین بخش زندگی ماست. ما در درون این مبارزه و این جنبش است که تصرف کارخانه را دنبال می کنیم

زیرا در غیر ای صورت قادر به انجام چنین کاری نمی شویم. پاسخ ما به تمامی ایرادگیری های سندیکالیستی و فرقه سالارانه و هر دار و دسته دیگر بسیار شفاف است. وقتی ما تصرف کارخانه را در قعر این جنبش و به عنوان لحظه ای از حیات فعال جنبش ضد سرمایه داری توده های طبقه کارگر دنبال می نمائیم به اتکاء همین جنبش و همین توده های عظیم طبقه خود نیر همه مشکلات آن را حل خواهیم کرد. تصرف کارخانه برای ما جزء لایتجزائی از پیکار همیشه جاری ضد سرمایه داری است و ما در درون همین جنبش استخوانبندی طبقاتی شورائی ضد کار مزدی خود برای نابودی سرمایه داری و استقرار یک دنیای آزاد انسانی فاغ از کار مزدی و هر نوع استثمار و طبقات و دولت را نیز استوار می سازیم.

## **حول منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر متحد شویم**

**برای جلوگیری از بیکاری، کارخانه های در حال تعطیل را به تصرف خود در آوریم**

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱ اسفند ۱۳۸۷

<http://www.hamaahangi.com>

[khbitkzs@gmail.com](mailto:khbitkzs@gmail.com)